

تدبر در حدیث و سیره معصومین (علیهم السلام) - استاد ضرابی

بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

شب هفتم محرم ۱۴۴۲ مطابق با چهارشنبه ۱۳۹۹/۶/۵

السَّلَامُ عَلَى مَنْ أَرِيقُ بِالظُّلَمِ دَمُهُ ، السَّلَامُ عَلَى الْمُغَسَّلِ بِدَمِ الْجِرَاحِ ، السَّلَامُ عَلَى الْمُضَامِ الْمُسْتَبَاحِ - سلام بر کسی که ستمکارانه خورش ریخته شد ، سلام به کسی که خون زخمهایش آب غسلش بود، سلام بر مظلومی که خورش مباح شد.

امام حسین (علیه السلام) فرمود: «مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ وَ مَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ؟» - پروردگار! آن که تو را نیافت، چه یافت و آن که تو را یافت، چه از دست داد؟». (بحار الانوار، ج ۹۵ ص ۲۲۶ ح ۳)

موضوع تدبر

تدبر در این موضوع است که: خدا را چگونه باید یافت؟ چگونه که باید یافت؟

پاسخ

در روایتی از حضرت امام صادق (ع) می خوانیم: «بنا عَرَفَ الله و بنا عَبَدَ الله و نحن الادلاء على الله و لولانا ما عَبَدَ الله - از طریق ما خدا شناخته شود و از طریق ماست که او عبادت می شود ما راهنمایان بسوی خدائیم و اگر ما نبودیم خداوند عبادت نمی شد» (توحید صدوق، ص ۱۵۲، باب ۱۲، ح ۹)

خداوند انبیاء و اولیاء را در برابر ما قرار داده است که راه و روش زندگی و چگونگی پرورش آنها را تا مخاطبه با حضرت حق و برگزیده شدن و از سوی او مأمور به رسالت و امامت گردیدن همه را مشاهده کنیم .

پس از مشاهده کمالات معنوی و عظمت روحی آنها و ایمان به اتصال آنها به کمال نامحدود و خدای هستی بخش، نقشه راه را از آنان بگیریم و با تربیت آنها به راه بیفتیم.

در حدیثی از پیامبر اکرم (صلوات الله علیه واله) رسیده است: «لولا ان الشیاطین یحومون الی قلوب بنی آدم لنظروا الی الملکوت- اگر شیاطین دلهای فرزندان آدم را احاطه نکنند هر آینه می توانند به جهان ملکوت نظر افکنند.» (بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۶۷)

در حدیث دیگری آمده است: «لولا تکثیر فی کلامکم و تمریح فی قلوبکم لرأیتم ما أری و لسمعتم ما اسمع؛ اگر زیاده روی در سخنان شما و آزادی دلهایتان در برابر فساد نبود آنچه را من می بینم، مشاهده می کردید و آنچه را من می شنوم شما هم می شنیدید. (نقل از تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۲۹۲)

پس مطمئن باشید این راه به نتیجه می‌رسد. ولی برای یافتن خداوند، باید سفری معنوی را آغاز کرد که همان معرفت توحید افعالی، صفاتی و ذاتی است. در توحید افعالی خداوند خود را با فعلش که خلق و ایجاد موجودات است، نشان داده:

(۱) «أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَ أَنْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجْلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ - آیا در ملکوت آسمانها و زمین و هر چیزی که خدا آفریده است ننگریسته اند و اینکه شاید هنگام مرگشان نزدیک شده باشد پس به کدام سخن بعد از قرآن ایمان می آورند». (سوره اعراف/۱۸۵)

(۲) سپس خداوند صفات خود را معرفی فرموده: «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ* هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ* هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (سوره حشر/۲۴-۲۳-۲۲)

(۳) سپس به معرفی ذات مقدسش پرداخته است که در سوره مبارکه توحید و آیات نخستین سوره مبارکه حدید می خوانیم: «هُوَ الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ وَ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنُ وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (سوره حدید/۳)

شاهدی از دعای شریف عرفه

در مرحله توجه به ذات مقدس اوست که امام حسین علیه السلام خداوند را مانند همین آیه می‌ستاید. خدایی که او شناخته است اول و آخر و ظاهر و باطن همه چیز است. دیگر جایی برای غیر خود نمی‌گذارد. چنین خدایی را می‌ستاید به وصف: «وما الذی فقد من وجدک» و آن که تو را یافت، چه از دست داد؟ و برای کسی که خداوند را چنین شناخته باشد، چیزی باقی نمانده که بدان برسد. «ماذا وجد من فقدک» آن که تو را نیافت، چه یافت؟

در دعای عرفه، حسین علیه السلام عبور خود را از همه مراحل توحید با جملات زیبایی این چنین مطرح می‌کند:

«إلهي ترُدُّني في الآثار يوجب بعد المزار فاجمعني عليك بخدمة توصلني إليك. كيف يُستدلُّ عليك بما هو في وجوده مفتقرٌ إليك؟ أَيْكونُ لغيرك من الظُّهور ما ليس لك حتي يكون هو المظهر لك؟ متي غبت حتي تحتاج إلي دليل يدلُّ عليك ومتي بَعُدْتَ حتي تكون الآثار هي التي توصل إليك؟ عميت عين لا تراك عليها رقيباً وخسرت صفقة عبدٍ لم تجعل له من حبِّكَ نصيباً - ای خداچون به یکایک آثار، برای شناسائیت توجه کنم راه وصول و شهودت بر من دور می گردد پس مرا به خدمتی و ادار که به تو برساند، چگونه استدلال کنم بر تودر حالی که اثر، خود نیاز مند توسل آیا برای غیر توظهوری هست که برای تونباشد که آن آشکار کننده ی توباشد، کی غایب شده ای که نیازمند دلیل باشی. وکی دور شده ای که نیاز مند آثاری باشد که بر تودلالت کند.»

همانطور که از خداوند خواسته بود خداوند او را به خدمتی گماشت که او را به خدایش برساند و تا خدایش بجای همه چیز او را کفایت کند. «أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلِي كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (سوره فصلت/۵۳)

براستی این چه خدمتی بود که او را به خدا رساند؟ آیا این خدمت کربلا نبود؟

روضه: حضرت علی اصغر علیه السلام

شیعتی مَهْمَا شَرِبْتُمْ مَاءٍ عَذْبٍ فَاذْكُرُونِي

شیعیان من! هنگامی که آب گوارا نوشیدید، مرا یاد کنید.

أَوْ سَمِعْتُمْ بِغَرِيبٍ أَوْ شَهِيدٍ فَأَنْذِرُونِي

و یا هنگامی که از غریبی یا شهیدی خبری شنیدید، بر من ندبه کنید.

فَأَنَا السَّبْطُ الَّذِي مِنْ غَيْرِ جُرْمٍ قَتَلُونِي

من، نواده [پیامبر] هستم که مرا بی گناه کشتند.

و بَجَرَدِ الْخَيْلِ بَعْدَ الْقَتْلِ عَمْدًا سَحَفُونِي

و پس از آن از روی عمد، مرا پایمال سم اسبان کردند.

لَيَتَّكُمُ فِي يَوْمٍ عَاشُورَا جَمِيعًا تَنْظُرُونِي

ای کاش، همگی در روز عاشورا بودید و می دیدید.

كَيْفَ اسْتَسْقَى لِطِفْلِي فَأَبَوْا أَنْ يَرْحَمُونِي

که چگونه برای کودک خردسالم، آب خواستم و آنان رحم نکردند.

وَسَقَوْهُ سَهْمٌ بَغَى عِوَضُ الْمَاءِ الْمَعِينِ

و به جای آب، با تیر جفا او را سیراب کردند

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلَدُ الرِّضِيُّ